

هو الأبهی - ای دوستان راستان ظلمات

جهل و ضلال عرصه امکان...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



۸۹

هو الأبهی

ای دوستان راستان ظلمات جهل و ضلال عرصه امکان را احاطه نموده بود و فسحت وجود را تنگ نموده بود صبحی در نهایت درخشندگی بدرخشید پس آفتاب در غایت روشنی و اشراق دمید و پرتوش نورافروز و ظلمت سوز بود از فیض انوار آن آفتاب جهانتاب کیهان رشک ایوان جنان گردید و آفاق از پرتو تجلی آن شمس حقیقت غبطه روضه رضوان شد این فیض قدیم و اشراق عظیم و ریزش باران ابر بخشش هر چند در نهایت قوت و قدرت بود ولی نفوس باید مستعد و لائق باشد و حقائق وجود باید قابلیت موافق جوید نور هر چند در شدت ظهور باشد چشم کور محروم و مهجور ماند ابر بهاری هر چند بارنده بود خاک شور زار ناپاک گل و ریحان نروید**.**

پس ای دوستان الهی بکوشید که چشم بینا گردد تا قابل مشاهده شود و ارض قلب طیب و طاهر گردد تا گل و سنبل و ضمیران رویاند این است نصایح مشفقانه به گوش جان استماع نمائید قسم به مربی غیب و شهود که اگر موجود نابودی توجه و تقابل به آن کوکب نورانی نماید حکم نجم ثاقب یابد و سمت جبل شاخ گزیند**.** ع ع



ORIGINAL



AUDIO